

بازار بهار رادیو اقتصاد
امسال داغ است

در آستانه نوروز و روزهای پایانی سال هستیم. همه در تکاپو هستند تا هرچه‌زودتر کارهای خود را به سرانجام برسانند اما در این میان برنامه‌سازان رادیویی و تلویزیونی در تکاپوی برنامه‌سازی برای ایام نوروز که امسال با ماه مبارک رمضان همزمان شده، هستند. رادیو اقتصاد نیز در این میان برنامه‌های متنوعی برای مخاطبان خود دارد. از جمله ویژه برنامه «سال نو پोल نو» که برای ساعات تحویل سال ۱۴۰۲ تدارک دیده است.

برنامه سال نو پول نو از آیتم‌های شاد و متنوعی تشکیل شده است و به آیین نوروزی یا روپکر اقتصادی خواهد پرداخت. این برنامه به تهیه‌کنندگی لیلا امید یگانه ۲۹ اسفند تا ساعت ۲۲ به مدت ۲۳۵ دقیقه پخش خواهد شد. مجله نوروزی «بهار بازار» در نظر دارد با حال و هوای سال نو به استقبال اقتصاد برود. معرفی و گزارش از روند تولید محصولات هفت سین و خاستگاه آن از دیگر آیتم‌های این برنامه است. برنامه بهار بازار به تهیه‌کنندگی پویان

امینان و حمیده‌رضا سلطانی و گویندگی شهلا جمشیدیان، معصومه سادات سید علوی و علیرضا بختیاری از ۲۹ اسفند تا ۱۳ فروردین ساعت ۱۰ تا ۱۲ از آنتن رادیو اقتصاد پخش می‌شود. برنامه «اقتصاد در سالی که گذشت» به بیان مهم‌ترین اخبار اقتصادی خرد و کلان سال گذشته می‌پردازد برنامه‌هایی مثل برنده‌شو، اقتصاد ما و حدیث بندگی از دیگر برنامه‌های این شبکه است.



یادنامه «جام جم» برای مرحوم دیانی

در گفت‌وگو با اهل نظر

چراغی که

خاموش نمی‌شود

نوشته‌های
رئیس‌علیه‌ررهورانی
آکروپسته

یک بار در دل نوشته‌ای از سرمای استخوان‌هایش گفته بود. از این‌که برای حاضر شدن در اجرای برنامه، ناچار بوده وسیله‌ای درمیشی زیر میز بگذارد تا به قول خودش جانی برای اجرا داشته باشد. سرما اما غلبه کرد و نتوانست چراغ اجرای سوره را روشن نگاه دارد. البته نوشته‌هایش هم نصفه ماند و در آخرین پستش نوشت دوست داشته از دخترش بنویسد اما نشده و نتوانسته‌است. تا دقیقه آخر قلم از دستش نیفتاد و دغدغه برنامه را داشت. یکی از مهمانان برنامه می‌گوید در برنامه‌ای که حضور داشته، مرحوم دیانی بعد از اجرا از حال می‌رود و همین نشان می‌دهد چطور تماشاش را برای برنامه گذاشته بود: «برنامه‌ای که بسیاری معتقدند، توانست مسیر پرسشگری در حوزه الهیات و مخاطبان آن را به کلی تغییر دهد. مرحوم دیانی تا زمانی که زنده بود، برای ایجاد یک جریان درست در حوزه فکر و الهیات قدم برداشت و کاری کرد که مخاطبان عادی نیز پای تماشای یک برنامه مذهبی بنشینند. در یک سال گذشته هر آنچه را که در مبارزه‌اش با سرطان گذشت، روایت می‌کرد و در صفحه شخصی‌اش قرار می‌داد. نوشته‌هایی که تیزی و تندآی آن، شاید به ظاهر نشان از تلخی روزگارش داشت، اما به وضوح نمایانگر دلدادگی مرحوم دیانی نسبت به ذات زندگی بود. روزنامه جام جم در یادنامه‌ای، سراغ برخی افرادی رفته که با او خاطره داشتند یا مهمان برنامه‌اش بودند.



نگاه



مدیریت درست در اجرا

دکتر سعید طابوسی، عضو دانشگاه علامه طباطبایی در توصیف شخصیت حجت‌الاسلام دیانی به «جام جم» بیان می‌کند: آقای دیانی فقط اجرای برنامه را به عهده نداشت و سردبیر برنامه هم بود. به همین دلیل او برنامه سوره را از آن خودش می‌دانست و برای آن وقت و انرژی می‌گذاشت. به محتوای برنامه تسلط فراوانی داشت. از دیگر ویژگی‌های آقای دیانی می‌توانم به مشاوره‌هایی که او برای برنامه می‌گرفت، اشاره کنم. وقتی قرار بود برنامه را روانه آنتن کند، با افراد متعددی مشورت می‌کرد چه رسمی و چه غیررسمی. او واقعا به معنای واقعی یک مجری فعال بود. وی می‌افزاید: برخی مواقع شاهد هستیم مجریان فقط فواصل بین صحبت مهمانان را پر می‌کنند اما آقای دیانی در اجرا این طور نبود و به مباحث جهت می‌داد و به موضوعات مهم‌تر بیشتر می‌پرداخت و آن را برجسته می‌کرد. امکان نداشت برنامه سوره با اجرای آقای دیانی به جمع بندی و نتیجه نرسد. ضمن این‌که او مهمان برنامه را به چالش می‌کشید. به خاطر دارم در یکی از برنامه‌ها که به عنوان مهمان حضور داشتم، درباره مباحث صحبت کردیم و بعد از برنامه ایشان به من گفتند نسبت به برخی مواضع فکری من مخالف هستند و ما شروع به بحث کردیم و اتفاقا خیلی هم طولانی شد اما ویژگی آقای دیانی این بود که برنامه را به گونه‌ای مدیریت و اجرا می‌کرد که در ذهن مخاطب شبهه‌ای شکل نگیرد. همین ویژگی‌ها بود که برنامه سوره را متفاوت می‌کرد. از دست دادن او ناراحت‌کننده بود.

سراغ پرسش‌های کلیشه‌ای نمی‌رفت

دکتر یحیی جهانگیری سهروردی، استاد حوزه و دانشگاه معتقد است ویژگی‌های خاص مرحوم دیانی بود که باعث شد برنامه‌ای مثل سوره دیده شود. او در خصوص ویژگی‌های اجرای این برنامه به «جام جم» می‌گوید: ما از فرصت رفتن این افراد باید به جای این‌که صرفا تجلیل کنیم، باید یک برنامه بگیریم و راه آنها را ترسیم کنیم تا ادامه یابد. او وارد شبکه‌ای شد که شاید مردم عادی کمتر سراغ آن می‌روند. بعد در چنین شبکه‌ای، سراغ یک برنامه دینی رفت که باز هم تعداد کمتری ممکن است آن را ببینند. اما او کاری کرد که در یک موضوع که جذاب زیادی وجود ندارد، یک برنامه جذاب روی آنتن برود و توسط مردم دیده شود. شاید اگر همین برنامه در شبکه سه بود، بسیاری می‌گفتند به دلیل ماهیت شبکه است که دیده شده. وقتی ماهیت شبکه را در کنار اجرای او که غیر سلبریتی بود کنار هم قرار می‌دهیم، عظمت کارش مشخص می‌شود.

وی ادامه می‌دهد: برای این‌که اهمیت اجرای مرحوم دیانی روشن شود، باید به این نکته اشاره کنیم که در یک شبکه مثل شبکه چهار، موضوعی که خیلی جذاب نیست و اجرای آن را هم یک غیر سلبریتی در دست داشت، چه می‌شود که برنامه دیده می‌شود و زمانی که او به رحمت خدا می‌رود، حتی افرادی که خیلی به این موضوعات علاقه نداشتند ناراحت درگذشتن می‌شوند. واقعیت این است که مرحوم دیانی چند کار کرد: در موضوع برنامه سوره تلاش کرد مباحثی از دین را بگوید که پرسش مردم بود و در عین حال، سراغ پرسش‌های کلیشه‌ای نرفت. مرحوم دیانی مسأله‌های دین پژوهی را از حوزه‌های آموزه محوری الهیات به سمت نیاز انسانی و عینی آورد. مثلا وقتی در موضوع بنی‌امیه بحث می‌کرد، هر فردی می‌دید احساس می‌کرد همین حالا اتفاق افتاده و با خودش می‌گفت باید چه تصمیمی بگیرد. یعنی شاید می‌توانست به شکل یک بحث تاریخی صرف آن را جلو ببرد اما به یک مسأله قابل درک برای مخاطب تبدیل کرد. یکی از بحث‌های جالبی که مطرح کرد، الهیات و جرتین (گیاه‌خواری) بود که زیست بشر امروز است. او در این برنامه آن را مورد بحث قرار داد و به این مسأله پرداخت که الهیات چه چیزی در این زمینه می‌گوید.

جهانگیری عنوان می‌کند: مرحوم دیانی مسائل دینی را به مسائل امروزی گره می‌زد. نکته دیگری که برنامه را جذاب کرد این بود که مسائل را ذهنی نکرد و به پرسش‌ها کلیشه‌ای نپرداخت. در واقع چیزی که سوره را جذاب کرد این بود که مردم احساس کردند یک روحانی به جای پاسخگویی، پرسش آنها را مطرح می‌کند. من معتقدم اگر مرحوم دیانی لباس روحانیت نداشت، این قدر برنامه جذاب نمی‌شد. در واقع مردم دیدند یک روحانی، خودش همسوا با مردم، دردها و مسأله‌هایشان را می‌پرسد. این باعث می‌شد مردم احساس کنند روحانیت با آنها همراه شده‌است. از ویژگی‌های دیگر اجرای او، پیاده کردن دیالوگ در برنامه به معنای واقعی کلمه بود که مخاطب آن را احساس می‌کرد. در عین حال ویژگی او در قامت سردبیر، تنوع حوزه کارشناسی بود. یعنی این طور نبود فقط افراد هم سنخ ببینیم. نگاه‌های متضاد را مقابل هم قرار می‌داد تا حرف‌شان را بزنند. این نشان می‌دهد در حوزه دین اگر بتوانیم روایت‌های مختلف را کنار هم قرار دهیم، موثر خواهد بود.

فکر نمی‌کردم روحانی باشد

محمد حسین رجبی دوانی، کارشناس تاریخ اسلام درباره شخصیت مرحوم دیانی به جام جم می‌گوید: من نسبت به مرحوم دیانی آشنایی و شناختی نداشتم. چون چند بار که از من برای حضور در برنامه سوره دعوت کرده بودند، نگران بیماری کرونا بودم و به همین دلیل دعوت او را قبول نکردم. وقتی بیماری ایشان رو به نزول بود، من را برای برنامه دعوت کردند. من بدون این‌که بدانم ایشان روحانی هستند، گپ و گفت داشتم و رد کردم. بعد از مدتی دیدم مجدد تماس گرفتند و اصرار کردند در برنامه حاضر باشم. وقتی پذیرفتم و به سازمان رفتم، متوجه شدم ایشان در کسوت روحانی و از مسئولان برنامه هستند. من برنامه را دیده‌بودم اما از اسم مجری آگاه نبودم. این‌که خودشان برای دعوت تماس می‌گرفتند، نشان از تواضع او داشت. وی ادامه می‌دهد: تصور من این بود که او تهیه‌کننده یا هماهنگ‌کننده دعوت از مهمانان است. اما وقتی به سازمان رفتم، دیدم خودش مجری و سردبیر است. پیگیری‌های مکرر ایشان همراه با ادبی که داشت، من را مجاب کرد در برنامه حاضر باشم. در نحوه اجرا هم باید بگویم ظاهرا موضوعات را خودش انتخاب می‌کرد و با

آبادگی تلاش کرد افراد صاحب نظر را دعوت کند. جالب است که به یک دیدگاه اکتفا نمی‌کرد و می‌کوشید در همان موضوع، صاحب‌نظرانی با دیدگاه متفاوت را دعوت کند تا دیدگاه‌شان را بیان کنند. من تصمیم داشتم با ایشان صحبت کنم و بگویم به جای مطرح شدن هر دیدگاه در یک برنامه، در یک جلسه هر دو دیدگاه متفاوت در کنار هم به بحث گذاشته شود تا مخاطب راحت‌تر قضاوت کند که کدام دیدگاه بهتر است.

رجبی دوانی عنوان می‌کند: در زمانی که با او صحبت کردم و حتی وقتی برای برنامه فصل سقیفه دعوت شدم، احساس کردم او فضائلی مثل فروتنی، اخلاق پسندیده اسلامی و تواضع دارد. او در پی صحبت و بحث‌های منطقی بود و حب و بغض در نگاه به مسائل تاریخی اعمال نمی‌کرد. بعد که متوجه شدم ایشان دچار بیماری سرطان شده، از وظیفه شناسی او به حیرت درآمدم که با حال نزار و نامساعد به استودیوی ضبط می‌آمد و رنج این رفت و آمد و اجرا را به جان می‌خرد اما حاضر نبود این برنامه را که باعث رشد آگاهی و دانایی مخاطبان می‌شود، حتی برای یک مورد متوقف کند. فراموش نمی‌کنم برنامه محرمی که خدمت ایشان بودیم، بعد از برنامه از حال رفت و دوستان به او رسیدند. او حتی نمی‌توانست روی پا‌های خود بایستد و از عصا استفاده می‌کرد. تاسف می‌خورم کسی با این همت و اراده و احساس مسئولیت، چطور باید گرفتار چنین بیماری شود که او را از تداوم فعالیت‌ها بازدارد. به هر حال، تقدیر الهی بر این بود که در جوانی و بعد از انجام چند کار ماندگار که در مسیر بصیرت افزایی مخاطب بود، دنیا را ترک کرده و با کارنامه‌ای درخشان از دنیا برود.

زنده‌یاد دیانی مستمع را سر ذوق می‌آورد

دکتر احمد خاتمی، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و استاد دانشگاه یکی از مهمانان برنامه «سوره» بود که به واسطه مصاحبه‌ای که با زنده‌یاد دیانی داشت، با او آشنا شد. وی درباره شناختی که از وی در این برنامه پیدا کرده بود به جام جم می‌گوید: من با مرحوم دیانی به واسطه برنامه‌ای که در ماه رمضان گذشته داشتم، آشنا شدم و شناخت دقیقی از ایشان نداشتم اما با همان یک ساعتی که در برنامه بودم و ایشان درباره نهج البلاغه با من مصاحبه کرد، به چند ویژگی درباره ایشان پی بردم.

وی درباره ویژگی‌های زنده‌یاد دیانی تصریح می‌کند: یکی احاطه موضوع بود و به عنوان مجری کاردارن و کارشناس در برنامه حضور داشت و صرفا مجریگری نمی‌کرد و گاهی در بحث هم ورود می‌کرد که نشان از احاطه و تسلط و آگاهی ایشان به موضوع و بحث داشت. ویژگی دیگری که من در ایشان دیدم و در همان یک جلسه برایم جالب بود، نحوه ثبت و ضبط جلسات بود. یعنی مطالبی را که مصاحبه شونده می‌گفت، ایشان یادداشت می‌کرد و بعد به یک جمع‌بندی خوب و درست در برنامه می‌رسید

روایت

زندگی، انار است

«مجسمه پدر و دختر را آخر شب به ارغوان هدیه دادم که به یاد من باشد. در جشن تولد کوچک و غریبانه‌ای که برایش گرفتم، ساعت‌هایی که دیگران به جشن و شادی و پایکوبی مشغول بودند خانواده ما گرفتار بیماری و بیمارستان بود. این تقابل سوزش اندوه را بیشتر می‌کرد. همزمان تفسیرهایی از سوره عصر به یاد می‌آمد که می‌گفتند «والعصر» یعنی سوگند به لحظه‌های فشرده شدن و له شدن آدم؛ در سختی‌ها و گرفتاری‌ها و شدت‌ها، غم سینه‌ام را گرفته بود و مثل یک آب‌گرفتگی لحظه به لحظه بر حمش اضافه می‌شد. می‌گفتند والعصر قسم به همین لحظه‌هاست که آدم میان سنگ‌های آسیاب زندگی له می‌شود و عصاره‌اش بیرون می‌زند. چند روزی بود واژه «له شدن» برایم دوست داشتنی شده بود. از وقتی که ارغوان در یادداشت‌های شخصی‌اش چیزی درباره زندگی نوشته بود. زندگی را به انار تشبیه کرده بود. با دانه‌هایی گاه ترش و گاه شیرین، که باید بر ترشی و شیرینی‌اش صبور بود. و ناگهان درباره فداکاران نوشته بود: «فداکاران آن‌هایی له شده‌اند». تشبیهی تیز بی‌رحمانه و غریب. این بود که له‌شدگی را دوست داشتم. همین. مسعود دایانی / جمعه ۴ آذر ۱۴۰۱»

دلنوشته

تنها شده بودم

«با سرطان تنها شده بودم. رابطه میان من و آدم‌ها شده بود رابطه مریض و سالم‌ها. عیادت شونده و عیادت کننده. آدم‌ها برایم دعا می‌کردند. گفت‌وگو با من؟ نه. گفت‌وگوها و پی‌چ‌ها در غیاب من شکل می‌گرفت. حتی اگر چند دقیقه‌ای مجلس را ترک می‌کردم. تا قبل از سرطان ماجرا این نبود. آدم‌ها دوست داشتند با من حرف بزنند. درباره خیلی چیزها. از جهان بیرون تا جهان درون. درباره مرگ، درباره زندگی. حالا که من خوردم اصل جنس شده بودم کسی پای این گفت‌وگوها نبود. دیگر غم تنهایی برایم مهم نبود. تنهایی کار و فعالیت را برایم سخت کرده بود. مرگ نزدیک بود و من دوست داشتم در این فاصله کار کنم. بیشتر از همیشه. مجبور بودم چند برابر آدم‌های سالم به خودم فشار بیاورم تا درکی از جهان اطرافم داشته باشم. تا انرژی اطراف را بگیرم و به ایده و خلاقت تبدیلش کنم. تا به تشخیص و تصمیم برسم. دستم از محیط‌های کاری، جمع‌های تخصصی و گپ‌وگفت‌های حرفه‌ای کوتاه بود. گداییی دانستن و شنیدن و فهمیدن هم راه به جایی نمی‌برد. گمانم این بود اینجا قتلگاه امید بیماران بسیاری می‌شد. همین. مسعود دایانی / شنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۱»



نما

یک اجرای متمایز

مخاطبان در شبکه‌های تلویزیون و رادیو شاهد اجراهای مختلف مجریان هستند اما اجرای حجت‌الاسلام مسعود دیانی تفاوت‌های بسیاری با دیگر مجریان برنامه‌های معارفی داشت و این‌که او در برنامه به سؤالات کلیشه‌ای اکتفا نمی‌کرد و به دنبال سؤالات بکر بود که از مهمانان برنامه بپرسد. همین موضوع باعث می‌شد تا اجرای او متفاوت شود. ضمن این‌که موضوعات دینی هم برای مخاطبان شفاف‌سازی می‌شد. در واقع او تلاش می‌کرد برنامه آورده جدید داشته باشد تا بینندگان پیگیر تماشای برنامه گردند.

